

اطلاعیه جمعی از بازنشستگان

کانون مدافعان حقوق کارگر - جمعی از بازنشستگان در اطلاعیه ای با عنوان " کسب حداقل حقوق خود یا ذلت فقر" ضمن اشاره به شرایط دشوار اقتصادی موجود، تاثیر این شرایط را بر زندگی خود بررسی کرده و دلایل آن را عنوان نموده اند. در این اطلاعیه چنین آمده است:

کسب حداقل حقوق خود یا ذلت فقر

"سی یا چهل سال، قبل مثل این که همین بود، در اوج جوانی، با شور و اشتیاق پایان ناپذیر و با عشقی سرشار در کارخانه ها، جاده ها، سدها، راه آهن و ساختمان ها هستی و وجود خود را می گذاشتیم و تولید اجتماعی و کالاهای مورد نیاز جامعه را می ساختیم و به همین لحاظ وجدانی راضی و مغرور داشتیم. پس از بهمن 57 هم احساس می کردیم دیگر بالاسری نداریم و خود سرنوشت خویش را خواهیم ساخت. شوراها و تشکل های خود را ایجاد و تمام نیرو و قدرت خود را صرف ساختن مملکت می کردیم. ما گمان می کردیم آینده ی کشور از آن به بعد بر مبنای ارزش کار و عدالت اجتماعی پایه گذاری خواهد شد. بهره کشی و استثمار دسترنج زحمتکشان دیگر جایی نخواهد داشت. با پرداخت 30 درصد کل حقوق و مزایا و اضافه کاری به بیمه و با سرمایه گذاری برای آینده، از تامین معیشت و زندگی خود در دوران بازنشستگی اطمینان خاطر یافته بودیم، اما غافل بودیم که طبقات سرمایه دار، صاحبان قدرت و دولت با افزایش مدام و سالیانه حجم نقدینگی یعنی، چاپ پول بدون پشتوانه و در نتیجه تورم افسار گسیخته، معیشت و هستی ما را نشانه خواهند گرفت. طبقات استثمارگر و بهره کش حاصل دسترنج ما را به یغما بردند و اختلاف طبقاتی شدیدتر و تورم و گرانی وحشتناک بر زندگی ما حاکم شد. خطای ما به جهت آن بود که تشکل های متحد و یک پارچه ای را نداشته ایم که مدافع منافع طبقاتی ما بوده تا به آن اتکا کنیم.

برای بررسی بیشتر نسبت پایه حقوق و قیمت برخی اقلام در سال 58 را با سال 90 مقایسه می کنیم.

موضوعات	پایه حقوق روزانه	گوشت قرمز	برنج	بنزین	خودرو روز	سکه	دلار	ویزیت متخصص	گوجه فرنگی	مسکن هر متر
سال 1358	56.7	20	20	1	22000	420	7	10	4	3400
سال 1390	11010	20000	4500	550	9000000	900000	1900	11000	1600	2500000
افزایش	194	1000	225	550	375	2142	271	1100	400	735

(همه قیمت ها به تومان است. قیمت بنزین متوسط 700 و 400 تومان یعنی 550 تومان حساب شده است. در مورد خودر رو نیز فقط قیمت پیکان در سال 1358 و قیمت پراید در سال 1390 محاسبه شده است. قیمت مسکن میزان متوسط در شهر تهران است.)

به طور متوسط قیمت ها حدود 950 برابر افزایش یافته است. حداقل حقوق در سال 58 ماهیانه 1701 تومان بود و می شد با آن 4 سکه طلا و یا 85 کیلو گوشت قرمز خریداری کرد. قیمت 4 سکه در سال 1390 برابر با 3 میلیون و 600 هزار

تومان و یا بهای 85 کیلو گوشت برابر یک میلیون و 700 هزار تومان می شود و این درحالی است که حداقل حقوق ماهیانه در سال 90 فقط 330 هزار و 300 تومان بوده است.

به این ترتیب سطح دستمزد سال 58 تا کنون هرگز به کارگران پرداخت نشده است. قدرت خرید کنونی کارگران حدود 25 درصد قدرت خرید سال 1358 است. این یعنی غارت دسترنج زحمتکشان، کارگران و کاهش ارزش نیروی کار و در نتیجه، تراکم ثروت در دست طبقات مرفه، سرمایه دار و حامیان آن است. این درحالی است که در زمان حکومت ستم شاهی به جهت استثمار و بهره کشی دسترنج خود، برقراری عدالت اجتماعی، حاکمیت ارزش کار و حذف نابرابری های طبقاتی انقلاب کردیم. میزان افزایش تورم سالیانه در سی و سه سال گذشته به طور متوسط 24 درصد و متوسط افزایش حقوق نزدیک به 18 درصد بوده است. یعنی به طور مرتب حقوق، سطح زندگی و معیشت کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و کارمندان جزء کاهش یافته است.

اگر بخواهیم علت فقر و تنگدستی را در زندگی خود بدانیم و ببینیم حاصل سی سال دسترنج ما کجاست، بسیار راحت است: به بانک هایی نگاه کنید که مثل قارچ از زمین روییده و درحال گسترش هستند، میلیاردها پولی که روزانه جابه جا می شوند، به انبارها و فروشگاه های مدرن پر از کالا، به برج ها و ساختمان های لوکس، به ماشین هایی با قیمت 50، 100، 200، 400 و 500 میلیونی نگاه کنید که هر لحظه جلوی چشم ما رژه می روند، این ها حاصل کار و دسترنج ما هستند، اما ما هیچ حقی در استفاده از آنها نداریم. درحالی که مالکان این ثروت ها اساساً کار اجتماعی و ارزش تولید نکرده اند. با یک احتکار، یک معامله ی کلان زمین و مسکن، دلار و طلا، بهره، و بورس و سفته بازی و با تورم سرسام آور در یک لحظه همه ی زندگی ما تبدیل به باد هوا شده و ثروت سرمایه داران متراکم گردید. اختلاس ها و زد و بندها و به خصوص رانت ها و واردات و صادرات قاچاق کالا در مقیاس میلیاردی را هم به آن اضافه کنید (نه میلیارد ریال یا تومان که کلاس سرمایه داران و غارت گران پایین می آید و مسخره می شوند، بلکه میلیاردها دلار را در نظر بگیرید) حقوق سالیانه ما کمتر از هزینه یک شب میهمانی میلیاردرها و ناچیزتر جزئی از مبلغ یکی از هزاران مراسم دولتی است.

اگر دولت طبق همین قوانین مدون مورد قبول خود، از جمله قانون اساسی که تامین زندگی شرافتمندانه برای آحاد افراد را تاکید کرده، ماده ی 26 تامین اجتماعی که افزایش حقوق را برابر تورم دانسته و همچنین حقوق بشر و دیگر قوانین عمل می کرد و حقوق ها را مطابق تورم واقعی افزایش می داد، این وضع اسفبار، این همه فقر و اعتیاد، فحشا، ناامنی و جنایت گسترش نمی یافت. در چند سال اخیر افزایش حقوق حتی نصف تورم اعلام شده و رسمی توسط بانک مرکزی است. در سال 89 مصوبه ی مجلس و دولت افزایش 12 درصدی حقوق بود، اما رییس تامین اجتماعی به میل خود تنها 6 درصد حقوق ها را افزایش داد. در این مورد می باید طرح دعوی قضایی از طرف بازنشستگان صورت گیرد. افرادی که به نام نماینده بازنشستگان در انتخابات فرمایشی انتصاب می شوند، وقتی نمی توانند اجرای قوانین که همان افزایش حقوق مطابق با نرخ تورم (حتی ساختگی) را تحقق دهند، یا جلوی کارهای خودسرانه را بگیرند، برای چه نماینده می شوند؟ آیا کافی است که فقط به فکر جیب خود بوده و به بازنشستگان پشت کنند؟ کسانی که در سال 1358 با دریافتی 7000 تومان حقوق و مزایا و اضافه کاری بازنشسته می شدند، در ماه برابر 2100 تومان حق بیمه پرداخت کرده اند که سرمایه گذاری شده و هم اکنون ارزش بیشتری پیدا کرده است. اگر افزایش را هم نادیده بگیریم همان 2100 تومان امروزه 2.050.000 تومان می شود. در حالی که متوسط حقوق بازنشستگان در سال 90 برابر 570 هزار تومان بوده است.

برای اثبات غارت دسترنج ما آیا نیاز به آمار بیشتری است؟

سازمان تامین اجتماعی بزرگترین سازمان بیمه ای در کشور و آن هم غیردولتی یعنی اجتماعی و متعلق به کارگران و بازنشستگان است. اما دولت ها، به هر طریقی که خواسته اند با امکانات و سرمایه های آن رفتار کرده اند به طوری که در شش سال اخیر شش رییس بر آن گمارده اند و کسانی را در مسند آن قرار داده اند که حتی یک روز هم کار نکرده اند و همانند آقای سعید مرتضوی که مفهوم تامین اجتماعی را درک نمی کنند. و نتیجه اش جز فقر و بدبختی روزافزون نخواهد

بود. این درحالی است که در تمام دنیا تشکل های کارگري در مدیریت و کارکرد بازنشستگی و تامین اجتماعی، دخالت و نظارت کامل دارند. با سازمان تامین اجتماعی، به صورت يك حجره ي بازار رفتار مي شود. حتا سال هاست که بخش های کارشناسي این سازمان تعطیل شده و درب موسسه پژوهشي آن کلا پلمب شده و نشریات آن همگی تعطیل شده اند و هر چه کارگران و بازنشستگان فقیرتر مي شوند، دولت و سرمایه داران غني تر شده اند. این وضعیت درحالی است که در 7 سال اخير میزان فروش نفت بالغ بر 530 میلیارد دلار، یعنی بیش از يك صد سال فروش نفت از تاریخ اکتشاف آن بوده است. درواقع دولت کمبود منابع نداشته، فقط نمی خواهد حقوق کارگران و بازنشستگان را به آنان بازگرداند. ما کارگران بازنشسته گریزي نداریم یا باید با ادامه روند کنونی در فقر روزافزون و ذلت هر چه بیشتر فرو رویم و یا با اتحاد و همبستگی به طورمتشکل و سراسري براي احقاق حقوق خود مبارزه کنیم تا بیش از این دسترنج ما را غارت نکنند...

جمعي از بازنشستگان"

و در انتها با طرح این سوال که "اما چگونه باید متحد و متشکل براي احقاق حقوق خود اقدام کنیم" روزهایی را براي گردهم آيي جهت همفکري و پیگیری مطالبات شان تعیین نموده اند تا به خواسته ي اصلي شان دست یابند که همانا "کسب حقوق واقعي و زندگی با کرامت انسانی" به جاي "ذلت و زندگی در فقر مطلق" است.